

* احساس امنیت و حقوق شهروندی

عباس پورهاشمی

خبرگزاری فارس: «امنیت» در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی پیش شرط و پیش نیاز «توسعه همه جانبه» در کشور است؛ در این مختصر تلاش می‌کنیم؛ تنها به اهمیت «امنیت قضایی» در کشور بپردازیم.

نویسنده: عباس پورهاشمی

«امنیت قضایی» حقوق اساسی‌ای هر کشوری است که طی دوره‌های اخیر در بسیاری از قوانین اساسی کشورها گنجانده می‌شود. اساساً «امنیت قضایی»، همزمان با رشد مکانیسم‌ها و ساختارهای قضایی در دوران جدید، معنا و مفهوم جدیدی یافته است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز «امنیت قضایی» طی اصول متعددی به رسمیت شناخته شده است و به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان تلقی گردیده است.

اما تفسیرها و برداشتهای از «امنیت قضایی»، همواره گوناگون بوده است؛ برخی با تلفیق «امنیت قضایی» که يك مفهوم حقوقی است، با «احساس امنیت قضایی» که بیشتر جنبه جامعه‌شناسی دارد، مانع درك صحیح از این مفهوم شده‌اند.

به طور کلی «امنیت» در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و قضایی از مفاهیم با ارزش در حیات اجتماعی است. در طول تاریخ بشر، توسعه و رشد، همواره در سایه حداقلی از «امنیت» فراهم آمده است؛ انسان‌ها در سایه «امنیت» به پیشرفت‌ها، نوآوریها و اختراعات دست یافته‌اند، اما با توجه به اهمیت زیاد مفهوم «امنیت» در حیات بشری، قدر آن به اندازه لازم و کافی در جوامع مختلف شناخته نشده است و در بسیاری از موارد، به بهانه‌های واهی «مسئله امنیت»، در ابعاد مختلف نادیده گرفته شده است. در حالی که «امنیت» و «احساس امنیت در میان شهروندان»، می‌تواند به پتانسیلی تبدیل شود که افراد يك جامعه، بدون داشتن دغدغه‌های ناشی از «عدم امنیت»، به رشد و شکوفایی و توسعه نایل آیند.

بدون تردید می‌توان اعتقاد داشت که «امنیت» در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی پیش شرط و پیش نیاز «توسعه همه جانبه» در کشور است؛ در این مختصر تلاش می‌کنیم؛ تنها به اهمیت «امنیت قضایی» در کشور بپردازیم و سایر جنبه‌های «امنیت» را به مقال دیگر واگذاریم.

درباره «امنیت قضایی»

به طور کلی «امنیت» همواره از دغدغه‌های اساسی فیلسوفان و دانشمندان کلاسیک و مدرن بوده است. مفهوم «امنیت» در ادبیات حقوقی و سیاسی حاکم و گفتمان‌های هر عصری، فراز و نشیب‌های خاص خود را داشته است؛ گرچه در دوران کلاسیک و سنتی، اندیشه سیاسی و حقوقی بشر، «امنیت» بیشتر در مقابل «دیگری» تعریف می‌شد و به محیط بیرونی ناظر بود، ولی در دوران جدید، «امنیت» بیشتر در میان مفاهیم داخلی و ملی قابل تعریف است.

برای نمونه، «امنیت سیاسی» به عنوان حق تعیین سرنوشت و آزادی در مشارکت حیات سیاسی تعریف می‌شود که ناشی از برداشت جدید از «امنیت»، در ادبیات حقوقی و سیاسی معاصر است.

در آموزه‌های اسلامی نیز «امنیت» یکی از نیازها و ضرورت‌های اساسی و حیاتی برای جامعه دانسته شده است، به طوری که امام صادق(ع) در حدیثی می‌فرماید:

«النعیم فی الدنيا الا من صحه الجسم و تمام النعمه فی الاخره دخول الجنة؛(۱) آسودگی و خوشی در دنیا به دو چیز است یکی امن و امنیت و دیگری سلامتی جسم و بدن و تمام نعمت‌ها. در آخرت هم به ورود در بهشت الهی است.»

در تاریخ اندیشه سیاسی و حقوقی بشر نیز مفهوم «امنیت» به طور کلی و عام مورد توجه بوده است؛ از افلاطون و ارسطو تا اندیشمندان سیاسی و حقوقی معاصر به نوعی به مفهوم «امنیت» توجه داشته‌اند. اما «امنیت» و

مسئله «امنیت قضایی» به معنای امروزی آن، بیشتر پس از تولد دولت - ملت مدرن و کارویژه‌های حقوقی دولت‌های مدرن در برابر «ملت»، تفسیر شده است؛ از این رو، «امنیت قضایی» کاربرد دوگانه‌ای دارد؛ از یک سو به کارویژه‌ها و وظایف دولت در برابر «ملت» اشاره دارد که دستگاه حاکم باید شرایط ایجاد «امنیت قضایی» را به عنوان یکی از شئون کلی امنیت در جامعه فراهم سازد و شهروندان بتوانند از «عدالت در قضاوت و رسیدگی قضایی» برخوردار باشند و از سوی دیگر، شهروندان نسبت به اجرای اقدامات خارج از قانون امنیت داشته باشند. با این نگاه به «امنیت قضایی»، نوعی «مصونیت قضایی» شهروندان مطرح می‌شود که آنان را از هرگونه تجاوز و تعرضی نظیر قتل، ضرب و جرح، حبس، شکنجه‌های روحی و جسمی، و سایر مجازات‌های غیرقانونی و به تعبیر دیگر، هر عملی که منافی شئون و حیثیت انسانی او است، نظیر فحشاء، بهره‌کشی و... که براساس موازین، منطقی و قانونی نباشد، در امان می‌دارد. (۲)

از این رو، «دستگاه قضایی» کشور، یکی از نهادهای مهم و اساسی در «امنیت قضایی» به شمار می‌آید، زیرا رسیدگی به دعاوی و اجرای عدالت در کشور موجب می‌شود که شهروندان احساس آرامش و امنیت داشته باشند. با توجه به این نگاه در امنیت قضایی، برخی امنیت را فراغت بالی می‌دانند که در پرتو آن، آدمی بدون واهمه از تعرض و تهاجم قدرت‌های افراد یا حکومت‌ها، می‌تواند به حیات مدنی خود ادامه دهند؛ در حقیقت امکان استفاده سالم از «اقتدار قانونی» و «قضایی» برای دفع و رفع تهاجم فردی و اجتماعی، شکل دهنده «امنیت قضایی» است. (۳)

«امنیت قضایی» نوعی اطمینان و تضمینی است که دولت‌ها برای حفاظت و صیانت از شهروندان خود در مقابل هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان ایجاد می‌کنند که شهروندان در سایه این امنیت، بتوانند فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود را در چارچوب «قانون» به انجام برسانند.

«امنیت قضایی» با «اجرای قانونی» رابطه تنگاتنگی دارد. زیرا اجرای صحیح و مداوم قانون در جامعه، مستلزم وجود «امنیت قضایی» است، زیرا در فرض تعدی و تجاوز به قانون، نهادی باید این حالت را به نظم و ثبات اولیه باز گرداند؛ از این رو، امنیت قضایی پیش‌نیاز «اجرای قانون» است و از سوی دیگر نیز «امنیت قضایی» در سایه اجرای صحیح قانون در جامعه به وجود می‌آید و در سایه اجرای قانون از سوی حکومت و مردم، «امنیت قضایی» فراهم می‌آید.

امنیت قضایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

«قانون اساسی» به عنوان منشور ملی که تلاش کرده است که حقوق متقابل شهروندان و حاکمان را تدوین نماید، طی اصول متفاوتی، «امنیت قضایی» را مطرح نموده است. مقدمه اجرای «امنیت قضایی» در کشور، «امنیت فردی» است که در سایه تدوین، اجرا و نظارت صحیح قانون در دستگاه قانونگذاری، اجرایی و قضایی کشور تحقق می‌یابد.

«امنیت فردی» به عنوان حوزه احترام به حقوق شهروندان از متون فقهی اسلامی منبعث شده است. در آنجا که فقه و حقوق اسلامی، احترام به حیثیت، جان، مال و ناموس شهروندان اسلامی را از مسایل اساسی و مهم دانسته، در دستورات و هنجارهای اخلاقی نیز به عنوان ضمانت اجرای مضاعف، برآن تاکید نموده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از دستورات اسلامی و فقه و حقوق اسلامی، اهمیت زیادی برای «امنیت فردی» و «امنیت قضایی» قایل شده است. در اصل ۲۱ قانون اساسی به صراحت آمده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند». (۴)

قانون اساسی در این اصل، به حقوق اساسی افراد و حقوق حیاتی افراد و شهروندان جامعه تاکید می‌کند؛ در عین حال برای حفظ همین حقوق و آزادی‌های تصریح شده، در چارچوب «قانون» محدودیت‌هایی را مجاز می‌شمارد. محدودیت‌های ناشی از تجاوز و تعدی از قانون، برای تامین امنیت فردی در نظر گرفته شده است؛ به این معنا، در صورت عدم احترام به قانون و تعدی و تجاوز به قانون، نهاد قضایی می‌تواند در چارچوب قانون، این حقوق اساسی را برای متجاوزان به قانون محدود سازد.

از این رو اصل ۲۲ قانون اساسی نیز تاکید کرده است: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند». قانون، هم موارد دستگیری مجرمان یا متهمان را تعیین کرده است و هم ترتیب دستگیری آنان را مشخص نموده است؛ از این رو، نهاد قضایی تنها در چارچوب قانون می‌تواند برخی از حقوق و آزادی‌های فردی را به نام حفظ «امنیت» یا «آزادی» محدود سازد.

همچنین قانون اساسی در مورد نحوه برخورد با متهمان و مجرمان نیز مسئله رعایت احترام و حقوق فردی را مورد توجه قرار داده است و رعایت «حقوق مجرمان و متهمان» را نیز لازم شمرده است؛ در اصل ۲۸ قانون اساسی این‌گونه مقرر شده است:

«هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است؛ اجبار شاهی به کز ۹۰۰۰ پ/» ق چ آ چ فلاگ ...
"لك!ذح ا اض گ ط: اط ۱۲۰۰۰ - ح ۸ لا اض ل له ع ژ ط ع) * ل غ غ اب ط ف ۷ ض ف ۴۱ غ ق ۰۰۰ ل له ح ض ا ط ح غ ی ن ب! ف ن غ ا ل له ا ب %
ج % / ح ا ق / الا غ ح ک ص ک ف ض ی ج ا ر ت ل ا ش ک ر د ه ا س ت ک ه ه ر گ و ن ه ا ح ق ا ق ح ق ، ر س ی د گ ی ق ض ا ی ی و م ج ا ز ی چ ا ر چ و ب ق ا ن و ن
ت ع ر ی ف و ت ب ی ی ن ن م ا ی د و ا ه ت م ا م ق ا ن و ن ا س ا س ی و ا ج ر ا ی ص ح ی ح و ک ا م ل ا ن د ر ک ش و ر ، م و ج ب ت ا م ی ن ا م ن ی ت ف ر د ی و
ا م ن ی ت ق ض ا ی ی م ی ش و د .

صراحت قانونگذار در مورد حقوق متهمان و مجرمان، در اصل ۳۹ بیشتر است: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است». در موارد دیگری نیز قانونگذار مصونیت‌هایی را برای حفظ و تامین «امنیت فردی و اجتماعی» افراد برشمرده است که در جای خود قابل بحث و بررسی است.

همزاد «امنیت فردی» که یکی از حقوق مسلم و اساسی شهروندان است «امنیت قضایی» است که به نوعی مکمل و ملازم امنیت فردی به شمار می‌آید. امنیت فردی حقی است که رعایت آن بر تمام شهروندان و دستگاه حاکم لازم دانسته شده است و زیرپا گذاشتن آن تخلف از قانون به حساب می‌آید و مجرمان مطابق قانون مجازات می‌شوند. اما «امنیت قضایی» مفهومی است که بیشتر متوجه «نهاد و دستگاه قضایی» است و مولفه‌های امنیت قضایی در مواجهه با ساختار، وظائف و عملکرد دستگاه قضایی به دست می‌آیند؛ از این رو «امنیت قضایی» یکی از حقوق شهروندان بر دولت و دستگاه حکومت تلقی می‌شود که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این وظیفه به «نهاد قضائیه» محول شده است.

امنیت قضایی و قوه قضائیه

قانون اساسی در اصل سوم (بند ۱۴) دولت (به معنای کلیت آن به عنوان هیات حاکمه) را موظف نموده است، برای نیل به اهداف عالی خود که در اصل دوم به تشریح بیان کرده است، همه امکانات خود را برای «تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد، و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» به کارگیرد؛ از این رو، در اصل ۱۵۶، تشکیل قوه قضائیه را این‌گونه تبیین و مقرر نموده است:

«قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.
۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.
۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین.
۴. کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

به طور کلی تحقق عدالت در هر جامعه، منوط به تحقق دو امر لازم و حتمی است:

الف. حق دادخواهی؛ یعنی کسی که مورد ظلم واقع می‌شود، حق و توان دادخواهی و مراجعه به مراجع صلاحیت‌دار را داشته باشد تا با استمداد از آنها بتواند حقوق از دست رفته خود را بازپس گرفته و متجاوزین و ظالمین به حقوق دیگران نیز به سزای اعمال خود برسند.

ب. آزادی دفاع؛ برای جلوگیری از اعمال نفوذ احتمالی در مراحل دادرسی یا تبیین واضح و روشن حقوق از دست رفته متظلم و رعایت انصاف و عدالت، به همه کسانی که علیه آنان دعوایی اقامه و طرح می‌شود، این حق و اجازه داده می‌شود که بتوانند آزادانه از خود دفاع کنند و حتی چنانچه کسی شخصا قادر به دفاع از خود نباشد، وکیل مورد نظر را انتخاب نماید و مهم‌تر اینکه به موجب اصل ۱۶۶ و ۱۷۶، قضات مکلف هستند، اولاً براساس قوانین مدونه، به کلیه دعاوی رسیدگی نموده و حق امتناع از حل و فصل خصومت و دعاوی را ندارند، ثانیاً باید احکام دادگاه‌ها مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر می‌کنند. (۵)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تضمین «امنیت قضایی» شهروندان و افراد جامعه، اصولی را تدوین نموده است که در قالب رعایت آنها توسط دستگاه قضایی، حفظ و حمایت از حقوق افراد تحقق‌پذیرد؛ اصولی چون

اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و حکم به اجرای مجازات از طریق مراجع قانونی، اصل علنی بودن محاکمات، مگر در شرایط خاص و اصل عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی و... در تضمین «امنیت قضایی» شهروندان نقش موثری دارند؛ در همین راستا نهاد قضایی به عنوان دستگاه اجرای عدالت، باید اصولی و مواد قانونی‌ای که در حمایت و حفاظت از حقوق شهروندان است را به کارگیرد تا اینکه «امنیت قضایی» در بعد اجرای قانون و نظارت بر آن، به شکل صحیح تحقق یابد. در کنار تدوین قوانین و اجرای صحیح آن در قوه قضائیه، برای تضمین «امنیت قضایی»، «استقلال دستگاه قضایی» نیز یکی از پیش‌شرط‌های مهم تحقق آن است، زیرا در صورتی که دستگاه قضایی از ابعاد مختلف، استقلال لازم را نداشته باشد، نمی‌تواند رسالت‌های محوله در قانون اساسی را به نحو کامل اجرا کند؛ از این رو نباید انتظار داشت که «امنیت قضایی» برای شهروندان جامعه تضمین شده است.

سخن آخر؛ امنیت یا احساس امنیت قضایی؟

در مقوله «آزادی» و «احساس آزادی»، سخن‌های زیادی گفته شده است. ممکن است در جامعه‌ای، آزادی به معنای واقعی آن وجود نداشته باشد، ولی شهروندان آن جامعه «احساس آزادی» داشته باشند و خود اعتراف کنند که در يك جامعه آزاد زندگی می‌نمایند و برعکس، ممکن است در جامعه‌ای آزادی به معنای واقعی تحقق یافته باشد و همه ابزارهای قانونی برای تحقق آزادی وجود داشته باشد، ولی در اثر تبلیغات یا عوامل خارجی، «احساس آزادی» وجود نداشته باشد و شهروندان احساس کنند که در يك محیط بسته و خفقان زندگی می‌کنند. همین مسئله درباره «امنیت» و «احساس امنیت» نیز صادق است. «احساس امنیت» بیش از هر چیز يك ادراک و اطمینان مربوط به روانشناسی اجتماعی است. شهروندان با مشاهده موارد و جزئیات برخورد دستگاه قضایی با بی‌قانونی و ناهنجاری‌های عمومی، به این ادراک و اطمینان دست می‌یابند که این دستگاه حامی و پشتیبان حقوق مردم است؛ از این رو، به اطمینان و ادراکی دست می‌یابند که می‌توان آن را «احساس امنیت» نامید؛ گرچه پیش‌نیاز «احساس امنیت» تحقق «امنیت» است، ولی لزوماً «تحقق امنیت» احساس امنیت را به دنبال نمی‌آورد؛ نحوه انعکاس و بازتاب قضایای حقوقی در کشور، نقش عوامل بیرون از دستگاه قضایی و... تعیین «امنیت و احساس امنیت» را با دشواری مواجه می‌سازد.

در هر حال، تدوین و اجرای صحیح قانون اساسی به عنوان منشور ملی، و نظارت بر اجرای آن در دستگاه قضایی، می‌تواند در تحقق «امنیت قضایی» نقش اساسی داشته باشد و در سایه آن، شهروندان به یکی از حقوق اساسی و مشروع خود در قانون اساسی نایل می‌آیند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بحارالانوار، جلد ۸۱، صفحه ۱۷۲.
۲. حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، قاسم شعبان، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹.
۳. امنیت قضایی و آسیب‌شناسی آن در ایران، سپاوش پرواز، مجله وکالت، شماره ۹، ص ۶.
۴. مجموعه قوانین اساسی - مدنی، تدوین و گردآوری مجتبی اشرفی، تهران: کتابخانه گنج و دانش، ۱۳۷۶.
۵. حقوق اساسی و... همان، ص ۱۲۱.